



Analysis of Qazvin Urban Space Organization in the Safavid Period with the Approach of Cultural Studies

ABSTRACT INFO

Article Type

Original Research

Authors

1*Ahad Nejad Ebrahimi

2. Parisa Ghobadi

1. Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Design, Tabriz Islamic Art University

<https://orcid.org/0000-0001-6025-1942>

2. Ph.D. Student of Islamic Urban Design, Tabriz Islamic Art University

<https://orcid.org/0000-0001-5341-2234>

*Corresponding Author

Ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

Article History

Received: June 12, 2022

Accepted: September 3, 2022

ABSTRACT

Aims: The purpose of this article is to address the issue of Qazvin Space Organization in the Safavid period with the approach of cultural studies.

Methods: The present study has been carried out with the approach of cultural studies and exploratory-documentary method, with the aim of describing and interpreting the historical data of Qazvin city in the Safavid period and its analysis. In this regard, first-hand sources, documents were collected, studied and analyzed. In parallel with the library studies, field surveys were conducted and the signs were surveyed and studied.

Findings: In the present study, three views result from the approach of cultural studies, namely: 1- Regulation of the city- 2- Homogeneity and heterogeneity of neighborhoods and 3- Use of urban spaces and their rational concepts in the analysis of Qazvin spatial organization used during the Safavid capital it placed. The result of the research indicates that the structural changes of Qazvin city in the Safavid period in accordance with the newly created culture and is closely related to a set of several factors, including the "space" dimension which is a subset. It regulates the city, it plays a more prominent role, and because it is expressed through the body and by the designers, it is more tangible, and the other dimensions are related to it.

Conclusion: The "space" originated from the power of the government at that time in the city of Qazvin and the royal complex was not just an urban design but a tool to achieve political, economic and religious goals and the city's culture is based on the same structure. Has appeared.

Keywords: Urban environment, Qazvin, Safavid era, Culture and city

تحلیل سازمان فضایی شهر قزوین در دوره صفوی مبتنی بر رویکرد مطالعات فرهنگی^۱

احد نژاد ابراهیمی*

۱. استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

پریسا قبادی

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

چکیده

اهداف: هدف این نوشتار، پرداختن به مقوله سازمان فضایی شهر قزوین در دوره صفوی با رویکرد مطالعات فرهنگی است.

روش ها: پژوهش حاضر با رویکرد مطالعات فرهنگی و روش اکتشافی- اسنادی، با هدف توصیف و تفسیر داده های تاریخی شهر قزوین در دوره صفوی را مورد تحلیل قرار می دهد. در این راستا، منابع، اسناد و مدارک تاریخی، جمع آوری و تحلیل شدند. در کنار مطالعات کتابخانه ای، بررسی های میدانی صورت گرفته و نشانه ها پیمایش و مطالعه شدند.

یافته ها: نتایج تحلیل ها نشان داد: نظم دهی به شهر، همگنی و ناهمگنی محلات و کاربری فضاهای شهری و مفاهیم مستدل از آنها در تحلیل سازمان فضایی شهر قزوین در دوران پایتختی صفویان مورد استفاده قرار گرفته است و تغییرات ساختاری شهر قزوین در دوره صفویه متناسب با فرهنگ جدید ایجاد شده به هدفی تبدیل می شود که خواسته های بیرونی را نیز پاسخگو باشد و پیوند تنگاتنگی با مجموع چند عامل دارد که از آن میان بعد "فضا" که زیر مجموعه نظم دهی به شهر است نقش پررنگ تری ایفا می

کند و چون از طریق کالبد و توسط طراحان نمود پیدا می کند ملموس تر است و بقیه ابعاد در ارتباط با آن قرار دارند.

نتیجه گیری: بعد "فضا" نشئت گرفته از قدرت حکومتی در آن برهه از زمان در شهر قزوین بوده است و مجموعه شاهی صرفاً یک طراحی شهری نبوده بلکه ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی، اقتصادی و مذهبی محسوب می شده و فرهنگ شهر نیز بر اساس همان ساختار نمود پیدا کرده است.

واژگان کلیدی: فضای شهری، قزوین، دوران صفوی، فرهنگ و شهر

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۳/۲۲]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۶/۱۲]

*نویسنده مسئول: Ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

۱. مقدمه

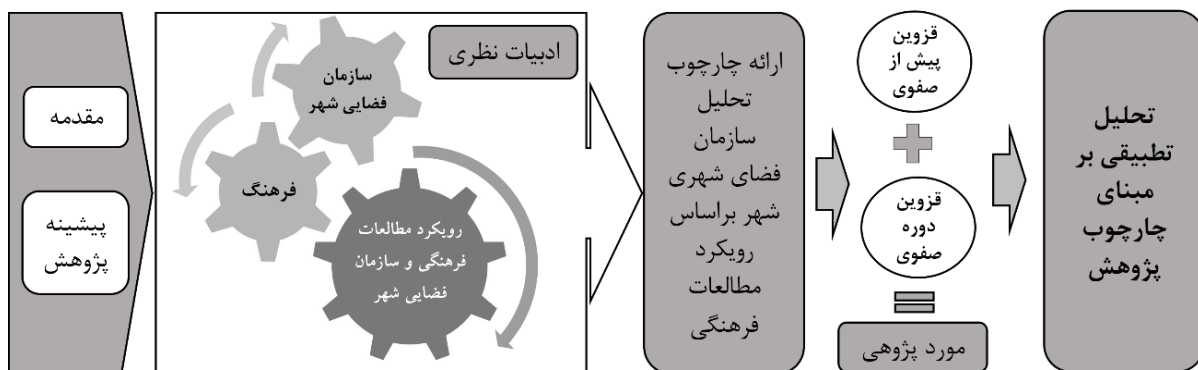
فرهنگ مجموعه هنجارها و ارزش ها است که در قالب هنر، اعتقادات، قانون، اخلاق، آداب و رسوم و نشانه های هموند هویدا می گردد [۱]. فرهنگ که از زمان آغاز شهرنشینی همواره جزوی جدایی ناپذیر از پیوندهای شهری محسوب می شود به عنوان ویژگی بی همتای هر جامعه انسانی، ریشه در تاریخ آن جامعه دارد [۲][۳]. در هر حوزه زیستی که فرهنگ قدرتمندی وجود داشته باشد، نمونه های بدیعی از شهر به عنوان محصول فرهنگی آفریده می شود [۴]. فرهنگ ایرانی را نیز می توان به اختصار مجموعه ای از باورها و دانش ها، معارف و ارزش هایی دانست که جامعه مسلمان ایران برای آن ها احترام قائل است، در جهان به آن ها شناخته می شود و ملاک و محک روش زندگی اوست. در بررسی عوامل موثر بر شکل گیری فرهنگ، بررسی سه عامل مهم: نحوه زندگی، اعتقادات انسانی و شرایط تاریخی

^۱ این مقاله مستخرج از پژوهش دوره دکتری با عنوان "تاریخ شهر و شهرنشینی در جهان اسلام" می باشد که توسط دکتر احد نژاد ابراهیمی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

درون شهر آگاهی یافت. با توجه به این که اکثر پژوهش‌ها بدون مدنظر قراردادن جنبه های فرهنگ به ویژه در شهر قزوین انجام پذیرفته ، این امر سبب نادیده گرفته برخی از ارزش‌ها، هویت فرهنگی، تاریخی و نابودی آنها شده است. این پژوهش سعی دارد تا با رویکرد مطالعات فرهنگی به مقوله سازمان فضایی شهر قزوین در دوره صفوی، بپردازد. در این راستا ابتدا پیشینه پژوهش مطرح و در مبنای نظری، سازمان فضایی شهر، فرهنگ و ارتباط آنها بحث شده تا بتوان به ارائه چارچوب تحلیل با توجه به رویکرد مطالعات فرهنگی پرداخت. سپس قزوین دوره ماقبل صفوی و صفوی تشریح و در انتها تحلیل تطبیقی بر مبنای چارچوب پژوهش صورت می‌پذیرد (تصویر ۱).

و جغرافیایی الزامی به نظر می‌رسد. از بررسی ارتباط به هم پیوسته این سه عامل می‌توان به چگونگی به وجود آمدن محیط شهری بر بنیان تفکر، فرهنگ و اعتقادات مردم آن شهر دست یافت [۵]. با ظهور صفویه شهر قزوین جایگاه ویژه ای کسب می‌کند و این دوره به عنوان مهمترین مرحله در سیر تحول شهر محسوب می‌شود؛ از آنجایی که عناصر خاص یک شهر تاریخی را می‌توان از گزارش‌های مورخان و سیاحان و همچنین از بررسی‌ها و تحلیل‌های علمی که امروزه بر بافت انجام شده به دست آورد، برای پژوهش پیش‌رو نیز از منابعی که به توصیف قزوین عهد صفوی پرداختند می‌توان بهره برد تا از لابلای آنها بتوان ویژگی-های برخی عناصر شهری و نقش آنها در روابط اجتماعی

تصویر ۱: ساختار پژوهش



مرور پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های مختلفی به صورت مجزا به مقوله فرهنگ و ارتباط آن با محیط کالبدی و یا بررسی دوره صفوی در شهر قزوین پرداخته شده است، اما در پژوهشی که سازمان فضایی شهر در این دوره متناسب با رویکرد مطالعات فرهنگی بررسی شود انجام نپذیرفته. در ادامه به پاره‌ای از

پژوهش‌ها که قرابت بیشتری با پژوهش حاضر دارند در

قالب جدول شماره ۱ می‌پردازیم.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش	نگارنده و سال انتشار	مسائل مورد بررسی در پژوهش
نماد شناسی در معماری مساجد ایرانی از رویکرد مطالعات فرهنگی	عزیزپور تویی، قره بگلو، نژاد لیراهیمی و کی نژاد (۱۴۰۰) [۶]	نتایج این پژوهش نشان داد که شکل‌گیری نماد در معماری موجب ایجاد هویت، قلمرو فرهنگی در یک سرزمین می‌شود. و نمادهای مساجد مجموعه‌ای از کنش‌های فرهنگی است که از طریق یازنمایی در کالبد، مفاهیم را انتقال می‌دهد.
مولفه‌های فرهنگی تاثیرگذار بر شکل‌گیری شهر اردبیل در دوره صفویه	پیریایی، نژاد لیراهیمی و لیلی زاده (۱۳۹۶) [۵]	نتایج مطالعات بیانگر آن است که در توضیح فرهنگی مکان‌های شهری مهم، بقعه شیخ صفی به عنوان خاستگاه خاندان صفوی، نشانگر هویت شهر؛ بازار به عنوان مرکز فعالیت، بستر ساخت و آیین شهر و مسجد جمعه نیز بیانگر شبکه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اردبیل بوده است.
سیر تحول سازمان فضایی شهر قزوین از ابتدا تا دوران معاصر	منصوری، دیزانی و آقایزری (۱۳۹۷) [۴]	در این کتاب نویسندگان به سازمان فضایی شهر در زمان شکل‌گیری هسته نخستین شهر، ورود اسلام، تشکیل حکومت‌های مستقل، دوره سلجوقی و ایلخانی، تیموری، صفوی، افشاریه، زندیه و قاجاریه پرداخته‌اند.
تحلیل تناخت مفهوم سکونت و مسکن در جغرافیای محیطی با تاکید بر بازخوانش نظریه فرهنگ گرایی آموس راپاپورت	Mohammad dizadeh (2016) [۷]	در این پژوهش به بررسی دیدگاه راپاپورت در اساس شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی و مفهوم سکونت که دارای ابعاد کاملاً فرهنگی هستند پرداخته شده است. همچنین در ارتباط با نظریاتی که فضا را موثر در ارتباطات انسانی می‌دانند. و برعکس و تعامل متقابل فضا و انسان یا یکدیگر، صحبت به میان می‌آورد.
بازخوانی باغ سعادت آباد قزوین؛ بر اساس اشعار عیدی بیگ تیرازی و انطباق با اسناد تاریخی دیگر	یار احمدی و دیگران (۱۳۹۶) [۸]	در این مقاله سعی شده تا با روش تفسیری-تاریخی و با هدف بازخوانی طرح مجموعه باغ حکومتی بر اساس اشعار عیدی بیگ و مطابقت آن با دیگر متون، ساختار فضایی کلی، توصیفات و جزئیات باغ‌ها از میان اشعار استخراج و در قالب نقشه و کروکی به تصویر کشیده شود.
"بهشت ثانی" و "کوچه اراسته خرمی"، شکل و جایگاه خیابان(ها) در جعفرآباد و قزوین صفوی	چیحانی و رجبی (۱۳۹۶) [۹]	این مقاله به دنبال یافتن موقعیت و خصوصیات خیابان یا خیابان‌های دارالسلطنه قزوین به کمک شرح عیدی بیگ و ترسیم‌های کمپفر و نوشته‌های دلاواله و فیگوروا است. نتایج این مقاله حاکی از آن است که به جز خیابان شمالی جنوبی و خصوصی درون باغ اطراف ارتشی خلنه و سایر خیابان‌های درون باغ‌ها، دو خیابان در بیرون باغ‌های خصوصی قابل شناسایی است.
کالبد شناسی شهری قزوین در دوران صفوی	عادلر و فراهانی فرد (۱۳۹۰) [۱۰]	در این مقاله به موضوع جابه جایی اقوام، گروه‌های مذهبی، کارگزاران دیوانی و پیامدهای آن در کالبد شهر و اهمیت شهر قزوین پس از تشکیل دولت صفوی و همچنین از دست رفتن رونق آن با انتقال پایتخت پرداخته شده است.

ادبیات نظری: رویکرد مطالعات فرهنگی

در مطالعه سازمان فضایی شهر

سازمان فضایی، نظم حاکم بر اجزای شهر است که ذهن از طریق مربوط ساختن عناصر متفرق در نظمی هدفمند، آن را ادراک می‌کند و تحت اثر شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی شکل گرفته است [۱۱]. بیل اریکسون عناصر سازمان فضایی را در قالب آرماتور شهری مورد بحث قرار می‌دهد. سازمان فضایی مظهری است که با حرکت تجربه می‌شود و از فضاها (خیابان‌ها و میادین)، المان‌ها (ابنیه و نمادها)، چیدمان عناصر و رابطه آنها با سیستم حرکتی تشکیل شده است. فضای کالبدی از یک سو متناسب با بستر فرهنگی، ارزش‌های زیستی، رسوم و سنت‌ها و اندیشه‌ها شکل یافته و از سویی دیگر نشأت گرفته از آیین‌ها و اسطوره‌ها است [۱۲] [۱۳]. سازمان فضایی یک شهر انتظام و ارتباط میان عناصر کالبدی است. اساسا فرهنگ هر جامعه موجودیت و هویت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. مسئله اصلی که حال در کتاب بعد پنهان خود به آن می‌پردازد، فرهنگ است. او نمود الگوهای همجواری را در سه رده فرهنگی معرفی می‌کند که عبارتند از: زیرفرهنگی، پیش فرهنگی و خرد فرهنگی. همچنین تعریف حال از فرهنگ عبارت است از معناها و نقشه‌های مفهومی و ذهنی مشترک که به مثابه فرآیندی سیاسی-تاریخی بر سازنده‌ی زندگی روزمره است [۱۴]. گیرتز فرهنگ را "الگوی تاریخی انتقال یافته از معنا می‌داند که در قالب نماد تجسم یافته است" [۱۵]. فرهنگ به مانند فنون، هنرها، نهادها، رفتار مشترک گروهی، اقتصاد و ایدئولوژی در نظام‌های گوناگون اثرات ویژه‌ای در ساخت

شهرها به جای گذاشته است [۱۶]. در واریسی ارتباط میان محیط انسان‌ساخت و فرهنگ سه دیدگاه مورد توجه است. در دیدگاه اول، شهر به مانند یک مظهر جغرافیایی-مکانی در یک تصویر الگوواره، در زمره یا گونه‌ای مخصوص قرار می‌گیرد و شهر با ویژگی کاملاً فرهنگی، خود را به مانند "جهان خرد" یا یک "شهر جهانی" به نمایش می‌گذارد. دیدگاه دوم، با تکیه بر روانشناسی محیطی، تاثیر متقابل محیط و فرهنگ انسانی را در هیئت ویژگی‌های محیط کالبدی، خصوصیات فرهنگی جامعه و فعالیت‌های انسانی بررسی می‌کند. دیدگاه سوم شهر را به عنوان سازمان اجتماعی فضایی، تولید کننده فرهنگ و بستر مناسبی برای پروسه "فرهنگ سازی" معرفی می‌کند [۱۷]. اشتراوس معتقد است شهر مانند هر پدیده فرهنگی چون زبان دارای ساختار زیربنایی ذهن است. بنابراین ساختاری که از میل عاطفی و احساس فطری او مثل حس همبستگی، حس امنیت، گرایش به زیبایی‌ها و خودشناسی نشأت گرفته است. از دیدگاه جان لنگ نیز محیط ساخته شده به عنوان بخشی از فضای زندگی انسان مجموعه‌ای از سازگاری‌هاست که انسان با محیط‌های جغرافیایی و فرهنگی پدید می‌آورد [۱۸]. در سالهای اخیر با گسترش رویکرد مطالعات فرهنگی در فهم و مدیریت شهر مباحث مناسب میان انسان و شهر در مرکز توجه مقولات مطالعات شهری قرار گرفته است. فرهنگ شهر از سویی شکل دهنده به شهر و از سویی تحت تاثیر از وضعیت شهر بوده و هم محل ظهور شهر است و هم حامل حال و هوا و فضای معنایی است که شهر در درون آن توسعه و تحول می‌یابد. از این رو راهبرد بنیادی به منظور شناسایی فرهنگ شهری، توجه به انواع یا اشکال

متفاوت شهر در طول تاریخ است [۱۹]. عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری محیط فیزیکی شهرها تاثیر زیادی دارند. به این معنا که محیط فیزیکی شهر منعکس کننده ویژگی های فرهنگی مردم و جامعه شهری است [۲۰] و ویژگی های فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکان نفوذ می کنند، در آن تجلی می یابد و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می سازد. راپاپورت نیز از حدود سی سال پیش با نگرش خاص اجتماعی- فرهنگی خود به موضوعات معماری، فرهنگ و جامعه به صورتی عمیق پرداخته است و فرهنگ هر شهر را نمودار نظام ارزشی حاکم بر آن می داند، و بر این باور است که فرهنگ بر شهر تاثیر گذارده و به آن شکل می دهد. همچنین به بیان راپاپورت (که بر اهمیت زمینه فرهنگی در شکل شهر تاکید دارد) انتظام بخشی محیط مصنوع، مشتمل بر سازمان دهی معنا نیز می شود که در آن خصوصیات کالبدی، ویژگی ارتباطی دارد. عناصر کالبدی در محیط، معانی گوناگونی دارند و این معناها به طور منظم و مشخصی به فرهنگ متصل شده اند. مردم در مجموعه های کالبدی متمایز شیوه های رفتاری هماهنگ با آن را که توسط فرهنگ تعریف شده انجام می دهند [۲۱-۲۳]

با توجه به مباحث مطرحه چارچوبی که به منظور تحلیل ساختار و سازمان یک شهر بر اساس رویکرد مطالعات

فرهنگی از منابع مختلف میتوان استنتاج کرد در جدول شماره ۲ تبیین شده است. همانگونه که مشخص است در این چارچوب، سه دیدگاه کلی ۱-نظم دهی به شهر، ۲-همگنی و ناهمگنی محلات شهری و ۳-کاربری فضاهای شهری را می توان جای داد. نظم دهی به شهر را در واقع می توان نظم دهی چهار عامل "فضا"، "مفهوم"، "ارتباط" و "زمان" دانست که هدف از سازماندهی «فضا» و «زمان» و «معنی»، کمک به برقراری و تسهیل «ارتباط» است. محلات همگن، محلاتی است که حضور آن ها در طول تاریخ دائمی است و با تغییرات سریع فرهنگی شکل یافته تر می باشند و شاخص های متعددی از جمله مذهب، طبقه، نژاد، خویشاوندی، شغل و در این همگنی دخیل و موثرند. این همگنی همواره یک امر ذهنی است و جای تعجب ندارد که یک محله به ظاهر ناهمگن، در درون خود احساس همگنی کند و یا برعکس. در مورد کاربری فضاهای شهری نیز در گذشته، نمدپردازی ها هم در ابنیه مسکونی و هم غیرمسکونی (خصوصا مقدس) دیده می شد ولی با گذشت زمان، به تدریج به ساختمان های غیرمسکونی محدود می شود. همچنین در محیط های سازگار به نسبت محیط هایی ناسازگار که افراد مجبورند خود را با محیط وفق دهند، به واسطه انطباق با انسانها و فرهنگ آنان شاهد تنش کمتری هستیم.

جدول شماره ۲: چارچوب تحلیل سازمان فضای شهری شهر براساس رویکرد مطالعات فرهنگی

نظرات	ابعاد	معیارها
نظم دهی به شهر	فضا	توسط طراحان شهری
	مفهوم	توسط ذهن و درک مفهوم عموماً از طریق فرم، جنس و اجزاء کالبدی محیط
	ارتباط	ارتباط مردم با هم ارتباط مردم با عناصر ارتباط عناصر با همدیگر
	زمان	طولی دورانی - یازگشتی آینده گرایی گذشته گرایی
همگنی و ناهمگنی محلات شهری	مکان محور و زمانمند	قاعده مرکز-پیرامون مذهب یا اعتقادات و باورهای ذهنی یک قوم
		طبقه شغل مهاجرت
کاربری فضاهای شهری	نماد پردازی در بناهای مسکونی و غیر مسکونی	عظمت بناهای دولتی و حکومتی در برابر مسکونی
	سازگاری و ناسازگاری	ساخت شهر در سازگاری یا اقلیم و فرهنگ (تاکید بر ضرورت توجه به فرهنگ در طراحی ها و ساخت وسازها)

مورد پژوهی: قزوین دوره صفوی

در این بخش پیش از تشریح قزوین دوره صفوی و ساختار و کالبد آن، به اختصار به معرفی قزوین پیش از صفوی (عهد سلجوقی) و ترسیم دیگرام سازمان یافتگی فضایی شهر در این دوره می‌پردازیم. اگرچه از دوره سلجوقی تا صفوی دوره‌های حکومتی مختلفی وجود داشته، اما دوره سلجوقیان به این خاطر برای بخش قزوین پیش از صفوی انتخاب شد که بتوان تغییر محسوس ساختار و سازماندهی شهر در دو دوره پیش از صفوی و صفوی را به خوبی درک و با قیاس این دو دوره تمایز و تغییرات شکل گرفته در دوره صفوی را تبیین کرد.

قزوین پیش از صفوی: در عهد سلجوقی همچنان

سازمان فضایی عدالت محور بر شهر حاکم است، ساخت گنبدخانه در مساجد متداول شد و در شهر نشانه‌هایی از برتری اجتماعی طبقات حاکم به ظهور می‌رسد. گسترش شهر و شکل‌گیری محلات جدید از دیگر تحولات این دوره است. در این عصر تحولات زیادی در عرصه معماری مانند ساخت بناهای عمومی (کاروانسرا، مدارس، ابنیه تدفینی) طراحی مساجد به صورت چهار ایوانی و گنبد دو پوسته ای صورت گرفت [۲۴]. از نقایس هنر دوره سلجوقی که در دوره ملک شاه سلجوقی به دست امیر خمارتاش ساخته شده مقصوره خمارتاشی یا طاق جعفری مسجد جامع است که در پشت ایوان جنوبی قرار گرفته است [۲۵]. با توجه به کتیبه های مقصوره خمارتاش حدود، وسعت و جهت رشد شهر در دوران سلجوقی قابل شناسایی است. مسجد جامع و مسجد حیدریه به عنوان دو مرکز شافعی و حنفی، شیعی و دو نقطه مهم شهری عمل کرده اند. با وجود تفاوت های مذهبی

نشانی از گروه های مذهبی در شهر نبود. گورستان و مقابر اولیا از عناصر مهم ساختار شهری در این دوره است. اجتماعات مردمی و اجتماعات سیاسی در مزار امامزاده حسین واقع در گورستان گهنبر برقرار می شده است [۲۶].

قزوین دوره صفوی: با پایتختی قزوین در سال

۹۲۶ ش. / ۱۵۴۸ م. تغییراتی در شهر پدید آمد [۲۷]. اقدامات عمرانی شاه طهماسب در شهر در متون مختلف اشاره شده است:

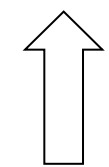
ماریا شوپه^۲ در مقاله ای با عنوان " کاخ ها و باغ ها: اولین مجموعه سلطنتی صفویه در قزوین " نتایج مطالعات خود را در ارتباط با توسعه شهری قزوین دوره طهماسب ارائه داده است. اسکندر بیگ ترکمان در "عالم آرای عباسی" در رابطه با آثار شاه طهماسب اول به عمارات دولتخانه دارالسلطنه و باغات سعادت آباد اشاره دارد. " [۲۸]. "محمد یوسف واله اصفهانی" نیز در "خلدبرین" درباره آثار شاه طهماسب اول آورده است: " .. و دولتخانه مبارکه و حمامات عالیّه متعدده در درالسلطنه قزوین و... از آثار معمار همت والا نعمت آن حضرت است " [۲۹] و ابیات ۱۰۲ تا ۱۰۶ روضه الصفات که از اشعار چنین برمی آید که پس از پایتختی قزوین و بر اثر حضور شاه در این خطه شهر رونق یافته و عمران و آبادانی صورت می گیرد.

عبدی بیگ حتی قزوین را با اصفهان مقایسه کرده و به الگو بودن این شهر اشاره می کند [۳۰] و در منظومه های خود، به ویژه در روضه الصفات اوضاع قزوین، قبل و بعد از پایتختی را تشریح می کند [۳۱]. طرح هایی که کمپفر از قزوین در طول یک ماه اقامت خود در این شهر از ماه فوریه

تحلیل تطبیقی

در این بخش، تحلیل تطبیقی و تاثیر حضور صفویان در شهر با توجه به جدول شماره ۱: چارچوب تحلیل سازمان ف ضای شهری شهر براساس رویکرد مطالعات فرهنگی، با ترسیمات منطبق با اسناد تاریخی در قالب توضیحات و جدول شماره ۲ و تصویر ۳ تبیین می شود.

عامل کالبد



عامل مذهب

تصویر ۳: حرکت از بعد مذهب به کالبد با تغییر دوره سلجوقی به صفوی

نظم دهی به شهر در چهار بعد فضا، مفهوم،

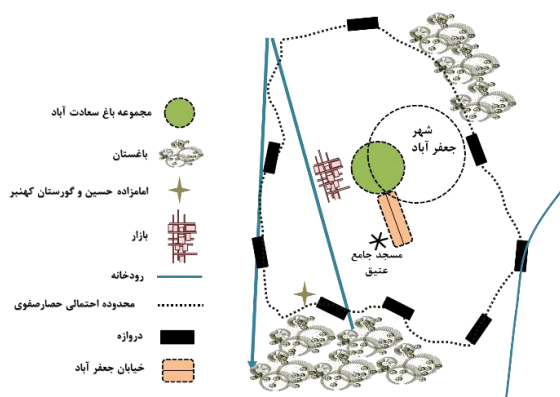
ارتباط و زمان: در ارتباط با قزوین عهد صفوی کالبد و

ساختار کلی به فرمان شاه که طراح شهری آن دوره محسوب میشد شکل گرفته و به کمک برخی سفرنامه ها و منابع مرتبط میتوان به خوبی به این امر پی برد به عنوان مثال:

-میادین در پایتخت های صفوی از جمله قزوین از عناصر مهم حکومتی در جهت بازنمایی سیاست های شاه و دربار محسوب می شدند و نقشی حتی فراتر از یک فضای شهری مهم داشتند. در تعریف هویت صفوی قزوین، عناصر شهری همچون میدان های سعادت و اسب ارزش تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارند از جمله: کاربرد برگزاری جشن های سلطنتی در میدان سعادت و در زمان شاه طهماسب- نمایش هدایای میهمانان و نمایندگان دولت های مختلف- و

تا مارچ سال ۱۶۸۴ میلادی تهیه کرده است به گونه ای مکمل سروده های عبدی بیگ به شمار می آیند و می توانند نکاتی چون مکان میدان های سعادت و اسب و برخی جزئیات طراحی عمارت ها را معین سازند. او از قزوین دو دورنما یکی از شمال غربی و دیگری از جنوب شهر تهیه کرده است که اراضی شهر را در محدوده ی دایره ای شکلی از باروها ترسیم کرده و در داخل آن فضاها و نشانه های منتخب و اصلی شهر دوران صفوی نقش بسته اند (تصویر ۵ و ۶) [۳۲].

در این دوره شهر شامل سه بخش کلی بود: ۱- شهر جدید یا شهر سلطنتی که دارالحکومه و عمارت سلطنتی را در خود جای داده بود. ۲- شهر قدیم یا شهر مردمی با مرکزیت مسجد جامع و مجموعه بقاع و گورستان های امامزاده حسین ۳- بازار و باغات اطراف شهر قزوین [۳۳]. و ایجاد مجموعه جدید جعفر آباد باعث جبران کمبودهای هسته قدیمی شهر شد [۳۴] (تصویر ۲). خیابان پیغمبریه به عنوان یک مسیر عمده، ارتباط میان میدان اصلی شهر و بخش های شمال با بخش مرکزی و جنوبی و محور اصلی قدیمی شهر، یعنی خیابان دولتی را برقرار نگه می دارد.



تصویر ۲: سازمان یافتگی فضایی شهر قزوین در دوره صفوی



تصویر ۴: محدوده محلات بر مبنای زبان و قومیت [۳۸]



تصویر ۵: نمونه لباسهای مردم قزوین در دوره صفوی

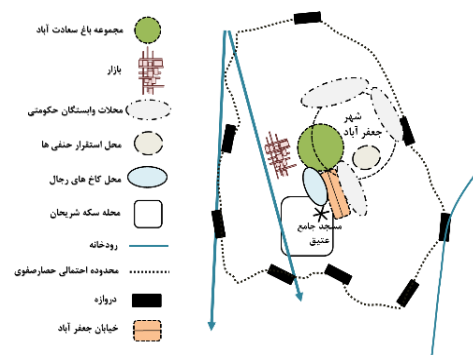
[۳۹] [۳۸]

از دیگر نمودهای دیدگاه همگنی و ناهمگنی محلات و ابعاد و معیارهای مرتبط با آن، تغییرات ایجاد شده در محلات به دلیل رسمی شدن مذهب شیعه (استقرار حنفی‌ها در اطراف مسجد حیدریه) و احداث کاخ‌هایی برای اسکان رجال دوره صفوی، تجار، بزرگان در محل سرکچه ریحان (سفرنامه شاردن) را می‌توان نام برد. [۴۰]. (تصویر ۶) همچنین بخشی از حاشیه میدان اسب با واحدهای مسکونی متعلق به درباریان شکل گرفته و اگر دقیقاً متصل به جداره میدان نباشند، حتماً در محله متصل به آن واقع بودند، البته به جز خانه حسن بیگ حلواچی اعلی و خزانه‌دار که ارتباط مستقیم آنها با میدان اسب اثبات شده است [۳۵].

همچنین مجازات، یکی دیگر از اموری است که گاهی در میدان انجام می‌شد [۳۵] پیر دلواله به مقایسه ابعاد میدان سعادت آباد با میدان بزرگ اصفهان و همچنین کاربرد آن که برای بازی چوگان مورد استفاده قرار می‌گرفته پرداخته است [۳۶]. شاردن هم در صفحه ۳۵ سفرنامه خود به طول و عرض میدان (در ابعاد ۷۰۰ و ۲۵۰) اشاره کرده است. میدان سعادت فضایی برای ملاقات شاه، درباریان، میهمانان و مردم بوده است و دلواله آن را گردشگاه عمومی می‌داند، میدان شهر برای بارعام نیز استفاده می‌شده است. در نتیجه میدان به عنوان یک عنصر نظم دهی به شهر عمل کرده که در چهار بعد هویدا می‌شود. در جدول شماره ۳ چگونگی نظم دهی به شهر به کمک عناصر دیگر مورد تحلیل و بررسی بیشتر قرار گرفته است.

همگنی و ناهمگنی محلات شهری - مکان محور ۱

زمانمند: ورود عناصر جدید جمعیتی به قزوین، تقسیم بندی قومی و فرهنگی در محلات شهر به گونه‌ای که شهر به دو بخش شمالی و جنوبی میان ترکان و تاجیکان ساکن این شهر تقسیم شده بود، قسمت شمالی و شمال غربی، که محل سکونت و نیز توقفگاه درباریان صفویه بود، به مناسبت معاشرت اکثراً ترکی حرف می‌زدند نظیر: محلات درب کوشک، شیخ آباد، گوسفند میدان، قملاق و دیمج. محلات شرقی و جنوبی و مرکزی، اکثراً فارسی زبان بودند، محلاتی نظیر: پنبه ریس، راه چمن، راه ری، خندقبار، مغلاوک، آخوند و سکه شریحان و خیابان که کمتر با مامورین و درباریان تماس داشتند [۳۷] (تصویر ۴). در تصویر شماره ۵ نیز نمونه‌ای از پوشش مردم در آن زمان قابل مشاهده است.



تصویر ۶: موقعیت محلات مربوط به سکونت اقشار خاص از لحاظ مذهب و موقعیت سیاسی

کاربری فضاهای شهری در دو بعد: نماد پردازی

در بناهای مسکونی و غیر مسکونی و سازگاری و

ناسازگاری: به عنوان نمونه در ارتباط با چگونگی

سازگاری: یکی از مدارک گرانبها که در باب چگونگی تقسیم آب رودخانه‌های قزوین و حقایق باغهای آن موجود است، فرمانی است از شاه سلطان حسین به تاریخ ذی-حج-۱۱۰۶. که در آن تقسیم آب هر رودخانه در فصل‌های مختلف سال برای تاکستان‌های مردم، باغ سعادت آباد، یخچال‌های شهر و پادگان مشخص شده است^۳. و در آن تاکید شده که میراب‌ها به منظور سود خویش به حقایق مردم تجاوز روا ندارند.

ادامه تحلیل‌های تطبیقی در قالب جدول شماره ۳ تبیین شده است.

جدول شماره ۳: ادامه تحلیل تطبیقی سازمان فضای شهری قزوین با رویکرد مطالعات فرهنگی

نظرات	ایماد	مفاهیم (میارها)	تحلیل سازمان فضای شهری قزوین عهد صفوی مطابق با رویکرد مطالعات فرهنگی
فضا	فضا	توسط طراحان شهری	شهر بدون حصار بعد از پایتختی [۴۱] [۴۲] قریه بزرگی با خانه های کوتاه و پست [۴۳] تغییرات ایجاد شده در کالبد شهر و نحوه اتصال شهر جدید (سلطنتی) به شهر مریمی (شهر قدیم) و ساخت باغ های تنهایی (سمادت آباد) به صورت طراحی شده - ساخت مالی قاپو و... به عنوان نمادهای حکومتی توسط معماران، طراحان و برنامه ریزان شهر - محورهای طراحی شده ساختاری به منظور ورود و خروج شخصیت های مهم - عناصر طراحی و نمادهایی برای آقای عظمت در طراحی شهری پایتخت نظیر: خیابان های عرضی، ایوان های مرتفع و... ردیف درخت های طرفین خیابان، جوی آب به موازات آنها و سردرب عالی قاپو که در نقطه گریز پرسپکتیو خیابان اصلی قرار گرفته و دیوار چهارباغ های طرفین و بالافته ها و سردرب هایی که بدنه خیابان را ایجاد می کرد و میدان ها - چهار عنصر اصلی شکل دهنده کالبد خیابان: هندسه قوی - عنصر آب - عنصر گیاهی درخت و جداره سازی متظم و مستقیم [۴۴] - طراحی استادقه باغ های شهر قزوین [۳۴] تشویق مدهای از بزرگان کشوری و خویشاوندان نزدیک خود توسط شاه طهماسب به منظور ساخت باغ های سکونتگاهی حکومتی. وجود حدود بیست و سه باغ و گلزار در اطراف باغ سمادت آباد [۸] نسبت ۱ به ۳ میدان شاه
	مفهوم (میتا)	توسط ذهن و درک مفهوم عموماً از طریق نمادها، قرم، جتنس و اجزاء کالبدی محیط	-
	ارتباط	ارتباط افراد با هم	- ارتباط بین لایه های محلات همکن از نظر منتهی، اجتماعی و اقتصادی و مفهوم هم محله ای - جدایی ارتباط میان عموم مردم و حاکمیت - در گزارشی از سفرنامه کاتف از بازرگانان روس که در دوران شاه عباس اول به قزوین آمده نشان می دهد که در فضای باز میدان مردم به انواع بازی ها و سرگرمی ها و حتی سوادآموزی می پرداخته اند [۴۵] ارتباط شاه و مردم در تناسبت ها در میدان شاه
	ارتباط افراد با عناصر	ارتباط افراد با عناصر	وجود رابطه فرهنگی و منتهی بین شهروندان با برخی فضاهای عمومی مانند آب انبارها، مساجد و... آفرینش بیگ در وصف باغ سمادت آباد و کاخ های آن [۸]

ادامه جدول شماره ۳: ادامه تحلیل تطبیقی سازمان فضای شهری قزوین با رویکرد مطالعات فرهنگی

نظرات	ایجاد	مقایسه (معیارها)	تحلیل سازمان فضایی شهری قزوین عهد صفوی متطابق با رویکرد مطالعات فرهنگی
هنگامی و نامگذاری محلات شهری	زمان	ارتباط عناصر با همبستگی	ارتباط شهر سلطنتی به شهر مردمی (شهر سلجوقی) از طریق خیابان و از غرب به بازار به کمک راهروهای زیرزمینی، معبرها و دروازه‌ها از جنوب شرق به امتداد یکی از شعبه‌های فرعی مسیر ارتزک متصل است.
		طولانی	گسترش شهر در قسمت شمالی شهر و گسترش شهر به صورت طراحی شده
		دورانی - بازگشتی	تداوم ارتباط شهر قدیمی (سلجوقی) با شهر جدید صفوی
		آینده گرایی	تأسیس محور تجاری جدید
مکان محور و زملعمد		گذشته گرایی	ارتباط بخش مرکزی جدید صفوی با هسته کهن سلجوقی از طریق محور قوی بیخ
		مذهب یا اعتقادات و باورهای ذهنی یک قوم (رسوم و سنتها - آیینها - اسطورهها)	بسیاری از قزوینی‌ها تا پایان دوره شاه طهماسب علی رغم تبلیغ تشیع، سنی باقی ماندند و یا فقط به شیعه شدن تظاهر می‌کردند. [۳۶] قاضی محمد رازی، در سال ۹۶۵ق در قصیده‌ای که به مناسبت ساخت محله «چقرآباد» قزوین سرود، قزوین را به خاطر تستن با این بیت منعت کرد: بود قزوین جو به نایابی مذهب مشهور ذکرش از صفحه ایام از آن بزدونند به نظر می‌رسد در نتیجه اطمینانی که قزوین برای مبارزات اعراب در ایران داشت، و متجر به مهاجرت تعداد زیادی از آنها به این منطقه شده بود، این شهر قرن‌ها بعد به یکی از مراکز بزرگ اهل سنت تبدیل شد. در زمان شاه اسماعیل اول، بنا به دلایلی، مذهب رسمی به شیعه اثنی عشری تغییر کرد. این همزمان با دوره‌ای است که در قزوین بیشتر مردم اهل سنت بودند و مدارس دینی ایشان در آن جا رونق داشت. شاه طهماسب با انتقال پایتخت از تبریز به قزوین، این تمرکز اهل سنت را از بین برد [۹] بعد از انتخاب قزوین به پایتختی، شاه و درباریان شیعه وارد شهر شدند و در نتیجه آن، ساختار قدرت اهل سنت در شهر از بین رفت و ارزش‌گذاری‌های جدید بر مبنای احترام به تبلیغ تعریف شد. عیدی بیگ در ابتدای روضه العفات در مقدمه عمارات و باغ مبارک سعادت آباد به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: مرمزش از علم رخ فروختند مذهب شیعی همه آموختند سنی از آن خطه قدم در کشید شیعی اثنی عشری شد یغیند [۳۷] برگزاری مراسم و بازی‌ها در میدان شاه [۴]
طبقه			اختصاص ناحیه شمال و شمال شرقی به مراکز سیاسی و حکومتی جدایی گزینی اجتماعی با احداث دیوار بلندی دوتانور مجموعه حکومتی به گونه‌ای که مردم عادی شهر به دیوار دید داشته و دید و منظر زیبای باغ و مجموعه حکومتی روی مردم عادی بسته بوده (به نقل از آقای پرهیزگاری-پژوهشگر شهر قزوین) میدان سعادت، بخشی از وظایف یک میدان اصلی در پایتخت را بر عهده داشته و عرصه نمایش قدرت شاه برای مردم و نمایندگان سایر معالک بوده است. جشن‌هایی که مردم عادی کمتر در آن حضور داشتند در میدان اسب برگزار می‌شود. این میدان بیشتر در احصار خانواده سلطنتی و امرا بوده و در آن بیشتر روابط داخلی دربار و حوالتی آن جریان داشته، اعتراض‌ها و شورش‌ها، جشن‌های داخلی دربار و رفت و آمد اشراف و وزرا به دربار در این قضا انجام می‌شده. همچنین میهمانان خاص شاه که قرار بود در باغ‌های داخل دارالسلطنه قلمت داشته باشند در این میدان مورد استقبال

ادامه جدول شماره ۳: ادامه تحلیل تطبیقی سازمان فضای شهری قزوین با رویکرد مطالعات فرهنگی

نظرات	ایجاد	مقایسه (معیارها)	تحلیل سازمان فضایی شهری قزوین عهد صفوی مطابق با رویکرد مطالعات فرهنگی
ویژگی‌های فضایی شهری			قرار می‌گرفتند و میهمانان کم‌اهمیت تر نزد شاه در میدان سعادت و در جمع عموم مردم و درباریان به طور مختصر مورد توجه شاه قرار می‌گرفتند. و گمان می‌رود رقت و آمد به آن نسبت به میدان سعادت محدودتر بوده است [۳۵]
		خوب‌اندازی	-
		شغل	وجود محلات برای افراد وابسته به حکومت در نزدیکی دیواره های شهر حکومتی قزوین بتدریج جای تبریج را گرفت و باعث شد تا عده بیشتری از بازرگانان و صاحبان حرفه در محلات جدید رحل قلمت افکنند. پیردلا و له در سال ۱۶۱۷ میلادی به قزوین سفر کرده و می‌نویسد: "لهای قزوین مانند مردم سایر شهرهای سر راهی اقلب از بازرگانان و تاجران هستند." [۳۶]
	مهاجرت		مهاجرت های ایجاد شده به دلیل پایتختی قزوین -تنوع ترکیب جمعیتی و مسورت بندی قومی- اجتماعی: خلیجکان، ترکان قزلباش، کردان، گرجیان و خرسین (ققاز)، سادات و علما
نیازهای فضایی شهری	نمادپردازی در بناهای مسکونی و غیر مسکونی	عظمت بناهای دولتی و حکومتی در برابر مسکونی	-وضوح بد خانه‌ها و خیابان‌های شهر در مقابل بناهای با شکوه شاهی [۳۶] -هیوش عالمی در مقاله‌ای با نام "باغ‌های شاهی صفویان: صحنه‌ای برای نمایش مراسم سلطنتی و حقانیت سیاسی" شرح می‌دهد که بخش اعظم افزوده‌ها و الحاقات در زمان طهماسب و در قزوین مربوط به عمارت‌ها و باغ‌هایی می‌شود که به سکونت خاندان سلطنتی و دربار اختصاص یافته بود
	سازگاری و ناسازگاری	ساخت شهر در سازگاری با اقلیم و فرهنگ	ساخت قنات ها و تأسیس شبکه آب فیازها در مواجهه با معضل کمبود آب [۳۷]

پذیرش نیازهای جدید را نداشت اما در دوره صفوی به کلی تبدیل شد که خواسته‌های بیرونی را نیز پاسخگو باشد و از حداکثر ظرفیت عناصر شهر قدیم استفاده شد. شکل گیری یک کل جدید (شهر شاهی)، مهم‌ترین تغییر در سازمان فضایی شهر است که از طریق محور خیابان به شهر قدیم متصل بوده است. با توجه به پژوهش صورت گرفته: مجموع سه نظر منتج از رویکرد مطالعات فرهنگی یعنی: ۱-نظم دهی به شهر -۲- همگنی و ناهمگنی محلات و ۳- کاربری فضاهای شهری و زیر مفاهیم مستدل از آنها در تحلیل سازمان شهری قزوین در دوران پایتختی صفویان مورد استفاده قرار گرفت. برخی از عوامل نظیر بعد فضا نقش بیشتر و برخی عوامل نقش کمتری دارند. ساختار شهر

نتیجه گیری

فرهنگ در طول تاریخ به عنوان کنشگری موثر بر ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و آداب و رسوم مردم، پیوسته پیوند نزدیکی با شهر و مسائل مربوط به آن داشته است. تولید و مصرف دائم فرهنگ، در بستر شهر است و تمامی مسائل آن به نوعی در ارتباط تنگاتنگی با این عامل قرار دارد و بر آن تاثیرگذار است. در این پژوهش با تکیه بر اسناد تاریخی، سفرنامه‌ها، آثار موجود و کشفیات باستان‌شناسی، طرح کلی سازمان فضایی شهر قزوین در دوره ماقبل صفوی و صفوی ترسیم شد. شهر قزوین قبل از دوره صفوی، به عنوان یک کل وابسته به شرایط درونی خود شکل گرفته بود و توانایی

- [2].Lotfi, S, (2011). Urban regeneration of reflective culture based on cultural themes and recreational action. beautiful arts. 3 (45), 47-60.
- [3].Mumford, L, (2007). Culture of cities. Translated by Ahwami Moghaddam. Tehran: Urban and Architectural Research and Research Center.
- [4].Mansouri, A; Dizani, E and Agha Bozorg, N. (2018). The evolution of Qazvin city space organization from the beginning to the contemporary era. Research Institute.
- [5].Pirbabaie, MT; Nejad Ebrahimi, A and Abizadeh, S. (2017). Cultural components affecting the formation of Ardabil in the Safavid period. Urban planning knowledge. Volume 1 (1). 71-84.
- [6].Azizpour Shobi, A, Qara Begloo, M, Nejad Ebrahimi, A, Ki Nejad, MA. (2022). Symbolism in the architecture of Iranian mosques from the approach of cultural studies. Journal of Cultural Studies and Communication, 18 (66), -. doi: 10.22034 / jcsc.2021.522289.2315.
- [7]. Mohammadizadeh, Gh. (2016). Analysis of understanding the concept of housing and housing in environmental geography with emphasis on re-reading the cultural theory of Amos Rapaport. Journal of Urban and Rural Management. No. 42. 369-402.
- [8].Yarahmadi, S., Ansari, M & Mahdavi Nejad, M, (2017). Reading Qadvin's Garden of Saadat Abad Based on Poems by Abdi Big Shirazi and Adaptation to Other Historical Documents, Fifteenth Year, No. 58, No. 50-27.
- [9].Jeyhani, H; Rajabi, F. (2017). "Beheshte Sani" and "Koocheye Araste az Khorrami" The shape and location of the street(s) in Jafarabad and Qazvin Safavid. Motaleate Memari Iran. No.12, p41-65.

قزوین در دوره سلجوقی و تا پیش از دوره صفوی و اقدامات وسیع آن، بیشتر با عامل مذهب تعریف می‌شده و به واسطه مرکزیت اصلی شهر پیرامون مسجد جامع، نقش مذهب در آن پررنگ تر بوده، اما با روی کارآمدن صفویان سازمان فضایی شهر دستخوش تغییر گشته و در نتیجه آن سازمان فضایی جدیدی بر شهر حاکم شد. مرکز جدید شهر، محله‌ها، خیابان، میدان و باغ‌های صفوی از عناصر خاص سازمان فضایی شهر در این دوره می‌باشد. مرکزیت شهر از سوی شمال و در مسیر شبکه بازار و فراتر از آن، به میدان شاه یا میدان مرکزی، انتقال پیدا می‌کند و نقش کالبد نمود بارزتری به خود می‌گیرد، تغییرات کالبدی که نشئت گرفته از قدرت و جو حکومتی آن دوره و دارای طرحی از پیش اندیشیده شده بود که برآمده از تصمیم شاه طهماسب اول است.

پی نوشت

۱ شهر در هر دوره تاریخی به شیوه‌هایی خاص بازنمایی و فهم می‌شود که آن‌ها را گفتمان‌های شهر یا "رژیم‌های بازنمایی شهر" می‌نامیم. در واقع گفتمان شهر، روش‌های گوناگون فهمیدن، دیدن و نشان دادن شهر و شیوه سخن گفتن ما درباره شهر است (فاضلی، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۷)

۲ Maria Szuppe

۳ سند شماره ۲۶ از صفحه‌های ۱۸۲ تا ۱۸۶ برگه از تاریخ قزوین، حسین مدرسی طباطبائی، قم ۱۳۶۱

منابع:

- [1].Rapaport, A, (1977). Human aspects of urban form: Towards man-environment approach to urban form and design. Oxford: Pergamon Press.

- Rezazadeh. Tehran: Academic Jihad Publications University of Science and Technology.
- [22].Rapaport, A. (2003). Cultural origins of architecture. Translated by Sadaf Al Rasul Afra Bank. Journal of the Academy of Art. Imagination 8.
- [23].Rapaport, A. (2012). Culture, Architecture and Design. Translated by Maria Barzegar and Majid Yusuf Niapasha. Sari First Edition: Shalfin Publications.
- [24].Arabloo, F. (2017). Investigating the Role of Khayyam Geometric Drawings in the Art of Seljuk Architecture. 4th National Conference on Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University of Qazvin.
- [25].Eghabi, M. (1999). Encyclopedia of monuments in the Islamic period (mosques). Surah Mehr Publications
- [26].Mojabi, M, (2009). In Search of Qazvin Urban Identity. Tehran: Urban and Architectural Research and Research Center.
- [27].Eshraqy, E, (1986). Proceedings of the Overview Book on Urbanization and Urban Development in Iran. By: Mostafa Kiani. Qazvin: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.
- [28].Turkman, eskandar Beyg, (1965). Abbasid worldview. first volume. Tehran: Amir Kabir Press Institute.
- [29].Vale Esfahani, M, (1993). Khaldbarin (Iran in the days of the Safavids). By the efforts of Mir Hashim Hadith. Tehran: Endowment Foundation of Dr. Mahmoud Afshar.
- [30].Abdi Beyg Shirazi, Z, (1979). Jain al-asmār, Zinat al-oragh va Sahifat al-ekhlās. Text arrangement and introduction by Abolfazl Hashim Oglī Rahimov. Moscow: Knowledge Publishing.
- [10].Adelfar, B.; Farahanifard, R. (2012). Anatomy of Qazvin during the Safavid period. Journal of Social History Research. No.2, p51-71.
- [11].Mansouri, A. (2004). Report of the research plan of the Space Agency in the Iranian city. Moderator of Nazar Research Institute.
- [12].Zekavat, K. (2011). The place of space organization in urban design. Sofeh, No. 54: 105-118.
- [13].Ardalan, N and Bakhtiar, L. (2004). The sense of unity. Translation: Hamid Shahrokh, Tehran, Khak Publishing.
- [14].Hall, S. (2012). Meaning, Culture and Social Life, translated by Ahmad Golmohammadi, Tehran, Ney Publishing.
- [15].Azimi Dolatabadi, A and Salehi Amiri, R. (2017). Fundamentals of Cultural Policy and Planning. Ghoghnoos.
- [16].Ziari, K. (2003). The impact of culture on the construction of the city (with emphasis on Islamic culture). Geography and development.
- [17].Naghizadeh, M, Zamani, B and Karami, I (2010). Cultural considerations in shaping urban landscapes based on the structure of Iranian urban landscapes in the Islamic era, City Identity, Volume 5, Number 7, pp. 61-74.
- [18].Azimi Aghdash, M. (2021). Description and lesson of urban engineering system exams. Noavar Publishing.
- [19].Fazli, N. (2015). Culture of the city, cultural rotation in urban discourses, Tisa Publications.
- [20].Fatani, K., Mohamed, M., & Al-Khateeb, S. (2017). Sustainable Socio-cultural Guidelines for Neighborhood Design in Jeddah. Procedia Environmental Sciences, 37, 584-593.
- [21].Rapaport, A. (1987). Cultural Origin of Biological Complexes. Translated by Razieh

- [40].Mojtahedzadeh, F, (2004). Urban Design in a Location of the Historical Basis of Qazvin City. Supervisor: Engineer Mahmoud Tavassoli. Master's dissertation on urban planning, Tehran University, Faculty of Fine Arts, Department of Urban Design.
- [41].Olearius, A, (2006). Adam Olearius's Travelogue: Iran in the Safavid Age from a German Perspective. Translated from the German text and margins: Ahmad Behpour. Tehran: New Initiative.
- [42].Silva Figuerrea, G, (1984). Travelogue of Dan Garcia de Silva Figueroa, Spanish Ambassador to the Court of King Abbas I. Translated by Gholamreza Samii. Tehran: New Publication.
- [43].Tavernier, Jean Baptiste, (1957). Tavernier Travelogue. Translated by Hamid Arbab Shirani, Tehran.
- [44].Al-Hashemi, A. 2012. Re-reading of Qazvin Street based on Abdi Bey's poems and other available writings. Journal of Garden Comment 9 (22): 65-72.
- [45].Katef, F.; (1978). Travelogue of Fadat Afanas Yevich Katev, Translated by Mohammad Sadegh Homayounfar. Tehran: Publications of the National Library of Iran.
- [46]. Valeh Daghestani, A. (2006). Riyadh al-Sho'ra, Volume 1, edited by Mohsen Naji Nasrabadi, Tehran: Asatir.
- [47]. Abdi Beyg Shirazi, Z, (2016). Aden's crimes. Correction and Research by Ehsan Eshraghi and Mehrzad Piousness. Tehran: Speech.
- [31].Soltani, M. (2008). Saadat Abad Garden of Qazvin Based on Abdi Beyg Poems. Golestan Art Magazine. (11): 47-38.
- [32].Nowruz Borazjani, V & Javadi, M, (2016). Recovery of the Qazvin Safavid Garden Organization from the perspective of hermeneutic phenomenology. Tehran: Yadavaran International Research and Publishing Company.
- [33].Akbari Kelishami, S, (2011). The Role of Shi'ism and its Impact on the Qazvin Urban Structure Evolution in the Safavid Era. Supervisor: Dr. Bagher Ali Adelfar. Master's Thesis Published by Imam Khomeini International University Qazvin. Faculty of History. Department of History of Islamic Iran.
- [34].Varjavand, P, (1996). Taking advantage of nature and responding to needs. Iranian Urban Planning and Architecture. Proceedings of the Iranian Congress of Architecture and Urban History, Vol. 3: National Heritage Organization.
- [35].Jeyhani, H, Rajabi, F, (2019). royal horse field: Qazvin Safavid State House forecourt. Islamic Architecture Research Quarterly / No. 22. Seventh Year. 43-69.
- [36].Dela Vale, P, (1991). Pietro Delavale's Travelogue: Iran's Part. Translated and Edited by: Shoa'uddin Shafa. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- [37].Golriz, M, (1989). Minoodar or Bab al-Jinnah. Qazvin: Taha Publications.
- [38].Jabari, M, (2007). Project studies documenting urban elements associated with the backbone of the city of Qazvin. Qazvin: Qazvin Cultural Heritage Organization.
- [39].Janzade, A, (2009). Ancient Iran from the point of view of world travelers and scholars. Look at Ali Janzadeh. Tehran.